



Identifying and Explaining the Main and Effective Components in Decentralization of Administrative Affairs from Public Organizations

Document Type: Research- Mixed

Javad Madani

***Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Public Administration and Tourism, University of Mohagheh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: J.madani@uma.ac.ir

Sayed Mahdi Alvani

Professor, Department of Public Administration, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: Sralvani@gmail.com

Abstract

Today, with the progress of societies, huge changes and transformations have occurred in various dimensions, which have caused the swelling of governments and their organizations. Thus, most countries are looking for effective solutions in this field, of which decentralization is one of the most important ones. The main purpose of this study was to identify and explain the major and effective components in the decentralization of administrative affairs of public organizations. It examines the issue using a mixed method approach with a partially mixed sequential dominant status design in three qualitative-quantitative phases. In this research, three methods of "systematic review, thematic analysis, and survey" were used, respectively. The main tool was an interview in the qualitative phase and a questionnaire in the quantitative phase. A total of 12 experts in the qualitative phase and 31 people in the quantitative phase were used to extract information and data. Based on the research results, in the first phase (systematic review method), 19 articles were selected and reviewed to determine thematic axes. In the second phase, 163 indicators were identified using the thematic analysis method, from which 37 basic themes, 17 organizing themes, and four global themes were extracted. Based on the results of analyses, the components can be identified in accordance with the comprehensive plan to reform the administrative system which can be effective in eliminating the gaps and failures in this base.

Keywords: Decentralization, Administrative Affairs, Public Organizations, Mixed Study.

Citation: Madani, J., & Alvani, S.M. (2022). Identify and Explain the Main and Effective Components in Decentralization of Administrative Affairs from Public Organizations. *Public Organizations Management*, 10(3), 123-140. (In Persian)

(DOI: 10.30473/ipom.2022.61973.4503

DOR: 20.1001.1.2322522.1401.10.39.9.4

Quarterly Journal of Public Organizations Management

Vol 10, No 3, (Series 39) Jul-Sep 2022, (123-140)

Received: (2021/Dec/04)

Accepted: (2022/Feb/23)

Copyrights

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)





شناسایی و تبیین مؤلفه‌های اصلی و مؤثر در تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی

نوع مقاله: پژوهشی-ترکیبی

جواد معدنی

*نویسنده مسئول: استادیار، گروه مدیریت دولتی و گردشگری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

E-mail: J.madani@uma.ac.ir

سید مهدی الوانی

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

E-mail: Sralvani@gmail.com

چکیده

امروزه با پیشرفت جوامع، تغییر و تحولاتی عظیمی در ابعاد مختلف پدید آمده است که موجب متورم شدن دولت‌ها و سازمان‌های آن‌ها شده است. به همین منظور، اکثر کشورها به دنبال راهکارهای مؤثری در این زمینه هستند که تمرکززدایی، یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین مؤلفه‌های اصلی و مؤثر در تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی است که با استفاده از روش ترکیبی به بررسی موضوع می‌پردازد. روش پژوهش حاضر ترکیبی یا آمیخته است که با رویکرد نسبی متوالی با وزن نابرابر در سه فاز کیفی-کیفی-کمی انجام شده است. در این پژوهش، به ترتیب از سه روش "مرور سیستماتیک-تحلیل مضمون-پیمایش" استفاده شده است. ابزار اصلی مورد استفاده در فاز کیفی، مصاحبه و در فاز کمی، پرسشنامه است که به ترتیب از ۱۲ نفر از خبرگان در فاز کیفی و ۳۱ نفر هم در فاز کمی اطلاعات و داده‌های مربوطه استخراج شدند. مطابق با یافته‌های پژوهش، در فاز اول -روش مرور سیستماتیک- ۱۹ مقاله جهت تعیین محورهای موضوعی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. در فاز دوم، با استفاده از روش تحلیل مضمون ۱۶۳ شاخص شناسایی شدند که از میان آن‌ها، ۳۷ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر استخراج شد. مطابق با نتایج و تحلیل‌های صورت گرفته، علاوه بر اینکه مؤلفه‌های شناسایی شده، مطابق با برنامه جامع اصلاح نظام اداری هستند، از سوی دیگر می‌توانند در راستای رفع خلل و ناکامی‌های این حوزه مثمر ثمر باشند.

واژه‌های کلیدی: تمرکززدایی، امور اداری، سازمان‌های دولتی، مطالعه ترکیبی.

استناد: معدنی، جواد و الوانی، سید مهدی (۱۴۰۱). شناسایی و تبیین مؤلفه‌های اصلی و مؤثر در تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۱۰(۳)، ۱۲۳-۱۴۰.

Copyrights

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)



(DOI): 10.30473/ipom.2022.61973.4503

(DOR): 20.1001.1.2322522.1401.10.39.9.4

فصلنامه علمی مدیریت سازمان‌های دولتی

دوره ۱۰، شماره ۳، (پیاپی ۳۹)، تابستان ۱۴۰۱ (۱۲۳-۱۴۰)

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۰۹/۱۳)

تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۱۲/۰۴)

مقدمه

امروزه، با پیشرفته شدن کشورها و ازدیاد امکانات در برخی از کلان‌شهرها، موجب شده است تا مهاجرت گسترده و سریع از روستا به شهرهای بزرگ، بیش از پیش شده و این شهرها به تدریج با یکسری مسائل و مشکلاتی مواجه شوند. یکی از اصلی‌ترین این مسائل، ازدیاد فرآیندها و امور اداری در سازمان‌های دولتی است که امروزه، به‌عنوان چالش اساسی پیشروی بسیاری از کشورهاست (تانگ^۱، ۲۰۲۱). همچنین، با گذشت چند دهه از صنعتی شدن بسیاری از کشورها، ملاحظه می‌شود که رشد اقتصادی بسیار سریع بوده و تعداد کثیری از شهرها و شهرستان‌ها، توسعه یافته و معیارها و قابلیت‌های شهر شدن را دارند. همچنین تقاضای زیادی برای به دست آوردن اختیارات اداری مربوطه برای توسعه ظرفیت‌هایشان را دارند (تانگ، ۲۰۲۱). از همین رو، بسیاری از کشورها به دنبال استراتژی‌ها و راهکارهای اساسی در این زمینه بودند که "تمرکززدایی"^۲ یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اقدامات آن‌ها شد (بانک جهانی^۳، ۲۰۲۲).

تمرکززدایی فرآیند تفویض کردن امور اداری، اجرایی، سیاسی، اقتصادی، تصمیم‌گیری و ... به سازمان یا بخش خاصی است (کاوه و چارستاد^۴، ۲۰۱۲). در واقع، تمرکززدایی انتقال اختیار و مسئولیت برای وظایف دولتی از نهادها و سازمان‌های مرکزی به سازمان‌های دولتی تابع یا شبه مستقل و/یا بخش خصوصی است (گانگ، لیو و وو^۵، ۲۰۲۱). تفویض امور مرتبط با بخش‌های اجرایی دولت، در بخش‌هایی مثل مهندسی، مدیریت، علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی، تکنولوژی و اقتصاد را شامل می‌شود که در ابعاد و حوزه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. تمرکززدایی راه دموکراتیک کردن جوامع است زیرا تصمیمات جمعی شهروندان را به هم نزدیک کرده و کمک مؤثری به ایجاد دموکراسی می‌کند (استویان و نیدزویسکی^۶، ۲۰۱۸).

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که تمرکززدایی اداری، سیاسی، اقتصادی و ... از سازمان‌های دولتی، هسته مرکزی یک حکمرانی خوب است و قدرت نباید در یک نقطه متمرکز شود ولی در عوض باید در نهادهای محلی توسعه پیدا کند. این‌طور فرض می‌شود که "تمرکززدایی"، دموکراسی و توسعه را تضمین می‌کند و این دو نیز پیش‌شرط‌های یک حکمرانی خوب هستند

(ادواردز^۷، ۲۰۱۷). چندین منبع بر تمرکززدایی به‌عنوان یک ابتکار سیاسی حیاتی برای توسعه پایدار و حکمرانی خوب در سراسر کشورهای در حال توسعه تأکید کرده‌اند (داس^۸، ۲۰۲۰؛ داس و همکاران^۹؛ ۲۰۲۱؛ بانک جهانی، ۲۰۱۶).

مهم‌ترین بحث نظری در مورد تمرکززدایی این است که می‌تواند دولت را نسبت به مردم؛ پاسخگوتر کند. همچنین، بهبود حکمرانی، ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی مؤثر، افزایش رقابت سیاسی سالم، کاهش بی‌ثباتی سیاسی؛ و پایداری مالی را ایجاد نماید (فاگت^{۱۰}، ۲۰۱۴). یکی از مسائل اصلی در این حوزه این است که دولت‌ها معمولاً در مورد تمرکززدایی مزایای حاصل از آن، مانند مشارکت محلی یا توانمندسازی جامعه، اغراق می‌کنند و آن را در مقیاس محدود به صورت کلی یا نمادین پیاده‌سازی می‌کنند، در حالی که کنترل اعمال شده توسط قدرت مرکزی را تقویت می‌کنند (سایمز^{۱۱}، ۲۰۰۷). در واقع، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تعهد به تمرکززدایی اغلب به‌طور سطحی و در قالب اقدامات کلی و غیرتخصصی صورت می‌پذیرد. به‌عنوان مثال، دولت‌های این کشورها، اغلب واحدهای اداری جدید یا کوچک‌تر در سطوح پایین‌تر ایجاد می‌کنند و مدعی هستند که تمرکززدایی کرده‌اند (رسنیک^{۱۱}، ۲۰۱۷). مسئله دوم به ساختار نظام اداری کشورها مرتبط می‌شود که اجازه تمرکززدایی به دولت‌ها را نمی‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۱۶). اکثر سازمان‌های دولتی ساختاری بلند و متصلب دارند که امکان تغییر و یا تحول در آن‌ها بسیار اندک می‌باشد (کاک^{۱۲}، ۱۹۹۸).

به عبارتی کلی‌تر، می‌توان با تمرکززدایی برخی از امور؛ به چابکی و انعطاف‌پذیری آن‌ها کمک کرد. در این راستا، مفهوم تمرکززدایی امور اداری سازمان‌های دولتی از اهمیت بالایی برخوردار است. در کشور ما نیز، امور اداری در شهرهای بزرگ - مخصوصاً شهر تهران به‌عنوان پایتخت - متمرکز شده‌اند و نزدیک به سه دهه است که مبحث تمرکززدایی آن‌ها از این کلان‌شهر مطرح شده است. یکی از واضح‌ترین نتایج این امر، مهاجرت بی‌رویه و رشد و تراکم شهرنشینی در شهر تهران است که موجب شده است تا ناهمگونی زیادی به وجود آید. و یا سایر مسائل و مشکلاتی که متعاقب این امر به میان آمده‌اند. با تدوین برنامه جامع اصلاح نظام اداری، یکی از اهداف و مقاصد کلیدی این اقدامات؛ به "تمرکززدایی" برخی از امور مرتبط با

7. Edwards
8. Das
9. Faguet
10. Symes
11. Resnick
12. Kock

1. Tang
2. Decentralization
3. World Bank
4. Kaveh & Charsetad
5. Gong, Liu & Wu
6. Stoyan & Niedzwiecki

ارائه خدمات عمومی بهبود یافته و بهتر از قبل شود (تانگ، ۲۰۲۱). به گفته برخی از اندیشمندان، متمرکز شدن امور در یک سیستم متمرکز، معایب بسیاری دارد. از جمله: تأخیر در ارائه خدمات بخش عمومی، بوروکراسی زیاد، ناکارآمدی‌های اداری، اتلاف مالی و... (سن و باندوپادهای، ۲۰۱۰). ملاحظه می‌شود بسیاری از کشورها به تمرکززدایی روی می‌آورند. تمرکززدایی به انتقال قدرت، اختیار، مسئولیت و منابع از "مرکز" به سازمان‌ها، نهادها و واحدهای میانی و محلی اداری اشاره دارد (گومان و سنگ، ۲۰۱۷). هر کشوری با توجه به فرهنگ‌ها و سنت‌های اجتماعی خود می‌تواند اشکال و شیوه‌هایی از تمرکززدایی را در حوزه‌های مختلف جغرافیایی، قومی و فرهنگی خود، برنامه‌ریزی و اجرا کند (فیضی و زارع، ۱۳۹۴). بسته به ماهیت تمرکززدایی، می‌توان رویکردها و حالت‌های مختلفی را در نظر گرفت: تفویض اختیار، واگذاری و انتقال طبقه‌بندی کرد. سطح تمرکززدایی متفاوت است. یعنی هم می‌توان در داخل سازمان‌ها باشد مثلاً تمرکززدایی امور اداری به واحدهای پایین‌تر در وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های بزرگ؛ یا تمرکززدایی از سازمان‌های بزرگ واقع در کلان‌شهرها به شهرها و شهرستان‌های کم‌جمعیت (چیمما و راندینلی، ۲۰۰۷). تمرکززدایی، به مفهوم نظامی است که در آن صلاحیت تصمیم‌گیری درباره امور به مقاماتی سپرده شود که کم‌وبیش از دولت مرکزی مستقل هستند (کاوه و چارستاد، ۲۰۱۲). تمرکززدایی اداری به دنبال توزیع مجدد اختیارات، مسئولیت‌ها و منابع مالی برای ارائه خدمات عمومی بین سطوح مختلف دولت است. انتقال مسئولیت برنامه‌ریزی، تأمین مالی و مدیریت برخی از امور دولتی از نهادها و سازمان‌های مرکزی آن به سازمان‌های تابعه، می‌تواند موجب چابک‌سازی دولت و بهتر شدن فرآیندهای دولتی شود (تانگ، ۲۰۲۱). تمرکززدایی فرصت‌های بیشتری را برای دولت‌ها فراهم می‌کند تا با انتقال برخی اختیارات به سطوح پایین‌تر نظام‌های اداری، در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت کنند (بانک جهانی، ۲۰۲۲). با این حال، تمرکززدایی و مدیریت مشارکتی لزوماً مترادف نیستند، به‌ویژه زمانی که فرآیند تمرکززدایی با رویکردی نهادی برای توزیع مجدد قدرت و ترتیبات مشارکتی در سطوح پایین‌تر همراه نباشد (سایمز، ۲۰۰۷).

تمرکززدایی دارای انواع مختلفی چون: اداری، سیاسی، اجرایی،

تصدی‌گری سازمان‌های دولتی معطوف گردید. در برنامه عملیاتی اصلاح نظام اداری در سال ۱۳۹۳، "تمرکززدایی" در محور ششم و از اصلی‌ترین برنامه‌های نقشه راه اصلاح نظام اداری مبتنی بر سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری قرار گرفت (معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۳). به دلیل اینکه مبحث تمرکززدایی یک مفهوم کلان و وسیع است، لذا در این مطالعه، تنها سازمان‌های دولتی که امور دولتی مرتبط با تصدی‌گری دولت در شهر تهران را در برنامه دارند به‌عنوان محدوده مطالعه انتخاب و بررسی خواهند شد. مطابق با اسناد بالادستی کشورمان، تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی، از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها بوده است و تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته‌اند اما نتایج حاصله همچنان ناملموس و مبهم می‌باشند. پس ضرورت دارد تا مؤلفه‌های اصلی و مؤثر در این حوزه را مورد شناسایی و تبیین قرار داد تا بتوان، در راستای اجرا و پیاده‌سازی بهتر آن متمرکز بود. از طرفی نیز، با بررسی موضوعات پیرامون این حوزه می‌توان ملاحظه کرد که در این مقوله، اقدامات و پژوهش‌ها مختلفی صورت پذیرفته‌اند و نیازمند بررسی‌های بیشتری می‌باشد. این پژوهش برای اولین بار در این زمینه انجام می‌شود و سعی دارد با شناسایی و تبیین این مؤلفه‌های اصلی و مؤثر؛ ضمن برطرف نمودن شکاف و خلأ نظری در آن، بتواند در راستای عملی‌سازی این مفهوم مهم در کشورمان گام بردارد. با عطف به موارد فوق‌الذکر، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین مؤلفه‌های اصلی و مؤثر در تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران است که در ادامه، به بررسی مبانی نظری، روش پژوهش، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری

تمرکززدایی امور اداری

تمرکززدایی به‌عنوان یک پارادایم غالب از دهه ۱۹۹۰ ظهور کرده است. اگرچه عوامل محرک برای تمرکززدایی در کشورهای مختلف متفاوت است، اما فلسفه اساسی آن در بهبود ارائه خدمات عمومی است (شاه و ترسا، ۲۰۰۴). در سرتاسر جهان، واگذاری و تفویض برخی از اختیارات اداری به سازمان‌های تابعه، یک روش معمول است. این کار ممکن است با بزرگ شدن کلان‌شهرها و افزایش جمعیت و متعاقباً، انبساط امور اداری صورت پذیرد که این کار موجب می‌شود تا کارایی و اثربخشی

2. Tang
3. Şen & Bandyopadhyay
4. Cheema & Rondinelli
5. Kaveh & Charsetad
6. World Bank

1. Shah & Theresa

تمرکززدایی می‌تواند از تمرکز قدرت نیز جلوگیری کند و در این صورت است که می‌تواند انحصار تصمیم‌گیری دولت را به چالش کشیده و اهداف ذیل را دنبال کند:

- افزایش کارایی و اثربخشی دولت؛
- ایجاد ظرفیت پایدار برای توسعه اقتصادی در سطح ملی و محلی؛
- شفاف‌تر شدن حکمرانی؛
- ایجاد یک سیستم دموکراتیک با ثبات‌تر؛
- مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری؛
- تمرکززدایی اصل شفافیت و پاسخگویی را تقویت می‌کند (ایسوفاج، ۲۰۱۴).

همانطور که گفته شد، تمرکززدایی در سطوح و زمینه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، امور اداری است. در ادامه، مفهوم تمرکززدایی امور اداری مرتبط با تصدی‌گری از سازمان‌های دولتی توضیح داده می‌شود.

تمرکززدایی امور اداری مرتبط با تصدی‌گری از سازمان‌های دولتی

با پیچیده شدن اداره امور واحدهای سیاسی، تغییر ماهیت و نحوه عملکرد دولت‌ها و مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، ساختار اداری و مدیریتی و وظایف دولت‌ها از شکل سنتی (حفظ نظم، امنیت عمومی و اخذ مالیات) به سوی برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری برای تسریع فرآیند توسعه و پیشرفت سوق یافت (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹). به تبع، ساختار اداری و بدنه دولت‌ها متورم و بزرگ‌تر شدند و نیاز به تمرکززدایی از شهرهای بزرگ، بیشتر احساس شد (رچل، دوران و سالتن، ۲۰۱۸). در پارادایم مدیریت دولتی، با ظهور نهضت بازآفرینی، مفهوم تمرکززدایی بسیار مورد توجه قرار گرفت. تمرکززدایی اختیارات و واحدهای تصدی‌گر در دولت؛ موجب توانمندسازی سازمان‌ها شده و "بسیاری از قوانین و سایر کنترل‌هایی که ادارات مرکزی اداری، قوه مقننه، مجریان و سطوح بالاتر دولت بر نهادها تحمیل می‌کنند" را از بین می‌برد (آزبورن و پلاستریک، ۱۹۹۷). اصلاح مدیریت و سازمان‌های دولتی به روش مرسوم که معمولاً برای کشورهای در حال توسعه تجویز می‌شود، فرآیندی بسیار پیچیده و پرخطر است که بهتر است به جای آن، تمرکززدایی صورت پذیرد (بانک جهانی، ۲۰۱۷). بو (۲۰۲۰) معتقد است که تمرکززدایی می‌تواند به‌عنوان ضامن اصلی اصلاحات اداری باشد (بو، ۲۰۲۰).

اقتصادی، مالی و ... است (کانگ، لیو و وو، ۲۰۲۱) و می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و نتایج متفاوتی مانند تفویض اختیار، واگذاری و انتقال، خصوصی‌سازی ایجاد کند که گاهی منجر به شرایط ناکافی یا اثرات ناخواسته می‌شود (فینکباینر و باسورتو، ۲۰۱۵). تمرکززدایی نیازمند مشارکت و همکاری نهادها و اقشار مختلف است (ساکیتا، ۲۰۲۱). کشورها با توجه به نوع نظام اداری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌شان؛ فرم و شکل مناسب آن را انتخاب و اتخاذ می‌کنند (گومان و سینگ، ۲۰۱۷).

تمرکززدایی در سطح سازمان‌های دولتی به مفهوم تفویض و واگذاری اختیار است و در سطح دولت به معنای تفویض قدرت در مسائل اداری و سیاسی به واحدها و تشکیلات استانی و محلی است. در حالت اول منجر به کاهش فاصله قدرت در ساختار سازمانی بین سطوح مختلف ساختار می‌شود و در دومی، فاصله قدرت بین دولت و مردم کاهش می‌یابد. به عبارتی کلی‌تر، تمرکززدایی به معنای نزدیک سازی دولت و مردم یا کاهش فاصله قدرت بین آن‌هاست. این مقوله می‌تواند قدرت انتخاب افراد محلی را در سیاست‌گذاری‌ها بیشتر کرده و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری آن‌ها را افزایش دهد (کمالی، ۱۳۹۳).

تمرکززدایی باعث ایجاد رقابت سالم در بین نهادها و سازمان‌های تابعه می‌شود که به‌منظور ارائه خدمات با برآوردن نیازها و ترجیحات عامه اقدام نمایند (آستانا، ۲۰۰۸). تمرکززدایی با افزایش پاسخگویی و شفافیت از طریق مشارکت مردم و نظارت بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و ارائه خدمات منتج به بهبود کیفیت می‌شود (اوتس، ۲۰۰۶). همچنین، گنجاندن بخش‌های حاشیه‌ای و عقب‌افتاده در فعالیت‌های مختلف به انطباق صداها و اولویت‌های آن‌ها برای ارائه خدمات کمک می‌کند و عدالت را تضمین می‌کند (گومان و سینگ، ۲۰۱۷). اکنون تمرکززدایی فراتر از انتقال قدرت در داخل دولت تفسیر می‌شود و در نتیجه شامل تقسیم قدرت، اختیار و مسئولیت بین همه ذی‌نفعان به‌ویژه جامعه محلی است. اصلاحات مدیریتی و اداری مبتنی بر تئوری‌هایی مانند انتخاب عمومی، نظریه اصیل-وکیل، مدیریت دولتی نوین نیز به‌طور قابل توجهی بر نظریه و عمل تمرکززدایی تأثیر گذاشته‌اند (میچل و بوسرت، ۲۰۱۰). در واقع، تمرکززدایی موجب احیای مدیریت دولتی، اجرای اقدامات مناسب، اثربخشی خدمات مدنی و بخش عمومی می‌شود که مطابق با استانداردهای حکمرانی خوب عمل می‌کند (بانک جهانی، ۲۰۱۶).

1. Gong, Liu & Wu
2. Finkbeiner & Basurto
3. Sakita
4. Asthana
5. Oates
6. Mitchell & Bossert

7. Isufaj
8. Rechel, Duran Richard Saltman
9. Osborne & Plastrik
10. Bo

درزمینه الگوها و مدل‌های مرتبط است که نشان‌دهنده توجه کم محققان در این راستا بوده است و نیازمند پژوهش‌ها بیشتری می‌باشد (ساکیتا، ۲۰۲۱؛ گری، ۲۰۰۵).

در ادامه، به مهم‌ترین مدل مربوط به این حوزه اشاره می‌شود. پرمیودز و کانینگ^۸ (۲۰۲۱) معتقدند که تمرکززدایی امور اداری به نهادها و سازمان‌های تابعه، دارای فرآیندها و مکانیزم‌های خاصی است. درزمینه تمرکززدایی امور اداری، فناوری‌های دیجیتالی (دولت الکترونیک)، نقش سازمان‌های دولتی را تکمیل و تقویت می‌کنند. با توجه به نقش مرکزی و محوری این مقوله، نیاز به ابزارهای دیجیتالی است که این ابزارها می‌توانند نقش میانجی را از طریق کانال‌های ارتباطی تسهیل و تقویت کنند. ظهور عصر دیجیتال موجب شده است تا مجموعه‌ای از پلتفرم‌های مشارکتی دیجیتال توسعه یابند که نحوه ارائه خدمات دولتی را تسهیل کنند که احتمالاً می‌تواند به افزایش مشارکت مؤثر جوامع مدنی در فرآیندهای تصمیم‌گیری به شیوه‌ای غیرمتمرکز کمک کند (کاسن، ۲۰۲۱). در سطح اول، "نهادها، سازمان‌ها، بخش خصوصی، افراد" دارای منافع و اهداف مختلفی هستند و به‌عنوان بازیگران اصلی در این حوزه ایفای نقش می‌کنند. حفظ جریان اطلاعات بین همه بازیگران درگیر از طریق فناوری‌های دیجیتالی امکان‌پذیر است و دلیل در مرکز بودن آن نیز، همین مقوله است. در سطح دوم، قوانین و مقررات دولتی، نهادها و سازمان‌های تابعه، تصمیم‌گیرندگان نهادها و سازمان‌ها وجود دارند که در تمرکززدایی، نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. زمانی که مکانیزم‌ها و ابزارهای تمرکززدایی اتخاذ می‌گردند؛ این موارد هم به‌عنوان عوامل تأثیرگذار و هم به‌عنوان عوامل تأثیرپذیر عمل می‌کنند. در این مرحله، نهادها و سازمان‌های مربوطه با ابزارهای تمرکززدایی به مناطق دیگری توسعه یافته و یکپارچه می‌شوند. این یکپارچگی به نهادها و سازمان‌ها کمک می‌کند تا تفویض برخی از اختیارات و امور سازمانی را به راحتی انجام دهند. همچنین، ظرفیت آن‌ها به حداکثر می‌رسد و فناوری‌های دیجیتال همچنان نقش محوری خود را با پیوند دادن آن‌ها با دیگر بازیگران و حمایت از تلاش‌های آن‌ها افزایش می‌دهند. این فرآیند همانند یک چرخه مداوم صورت می‌پذیرد و تمرکززدایی در راستای همین اقدامات انجام می‌شود (پرمیودز و کانینگ، ۲۰۲۱). در شکل زیر، این مدل مرقوم شده است.

یافته‌های پژوهش‌ها مختلفی نشان می‌دهند که استراتژی‌ها و مکانیزم‌های دولت می‌تواند عامل اصلی و مهمی در موفقیت تمرکززدایی امور اداری باشند (ژو، ژانگ، اگراوال و لیو، ۲۰۲۰). سازمان‌های دولتی دو نقش مهم و وسیعی دارند که عبارت‌اند از نقش‌های حاکمیتی و تصدی‌گری (ایوانینا و سالرنو، ۲۰۲۱؛ بروس، ۲۰۱۳؛ ویز، ۲۰۰۰). بسیاری از کشورها، امور مربوط به تصدی‌گری دولتی را تمرکززدایی کرده‌اند که این مقوله در راستای کوچک‌سازی دولت و در قالب اقداماتی چون برون‌سپاری، خصوصی‌سازی و تفویض اختیار به واحدهای محلی (شهرستان‌ها) صورت پذیرفته است (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۱؛ سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰). تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت کلیه مناسبات کشور در کلیه سطوح تعریف شده است. این تصدی‌گری شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که در قبال نهادها، سازمان‌ها، شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع و... اتخاذ می‌شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۶).

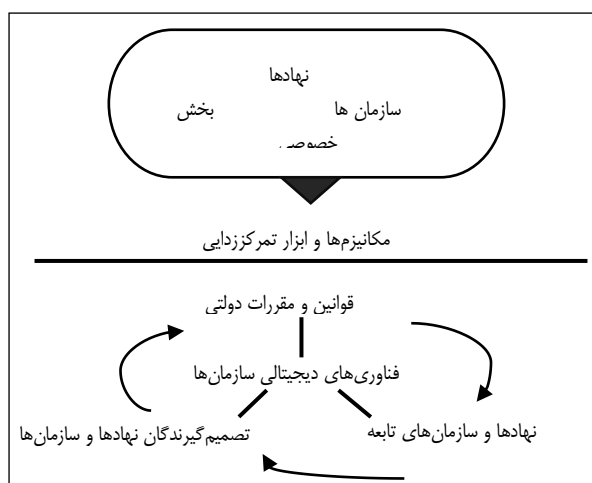
فرآیند تمرکززدایی شامل سه سطح و سه بعد است: سطح اول: تمرکززدایی از حجم کار نهادها و سازمان‌های مرکزی می‌کاهد و دولت را به شهروندان نزدیک می‌کند؛ سطح دوم: تفویض امور، مسئولیت و اختیار برای انجام وظایف معین به نهادها و سازمان‌های محلی یا تابعه؛ سطح سوم: انتقال یا تفویض امور، مسئولیت و اختیار به نهادها و سازمان‌های محلی که در آن دولت مرکزی اختیارات سیاسی، مالی و اداری را تماماً به واحدها، نهادها یا سازمان‌های محلی منتقل می‌کند. بعد اول: تمرکززدایی سیاسی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن اقتدار و اختیارات سیاسی از دولت مرکزی به محلی منتقل می‌شود؛ بعد دوم: تمرکززدایی مالی به معنای انتقال مسئولیت درآمد و هزینه‌ها از سازمان‌ها و نهادهای مرکزی به محلی است؛ بعد سوم: تمرکززدایی اداری شامل انتقال امور، اختیار، مسئولیت و منابع تصمیم‌گیری برای ارائه خدمات عمومی توسط دولت مرکزی به سطوح پایین‌تر دولت است (ایسوفاج، ۲۰۱۴). همان‌طور که در قبل نیز اشاره شد، از دهه ۹۰ میلادی به بعد، بیشتر دولت‌ها به سمت مفهوم تمرکززدایی و الگوهای مرتبط با آن معطوف شدند اما باز هم ملاحظه می‌شود که یکی از شکاف‌ها و خلأهای تئوریک در این زمینه، کمبود غنای نظری

1. Xu, Zhang, Agrawal & Liu
2. Ivanyna and Salerno
3. Bruce
4. Weiss
5. International Labour Organization (ILO)
6. United Nations

7. Gray

8. Bermúdez & König

9. Kassen



شکل ۱. مدل تمرکززدایی امور اداری پرمیوودز و کانینگ (۲۰۲۱)

Figure 1. Administrative Decentralization Model, Bermúdez & König (2021)

هستند که دارای سابقه چندین ساله در این حوزه علمی و اجرایی می‌باشند. در فاز دوم پژوهش، یعنی روش تحلیل مضمون، این افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند که یکی از روش‌های نمونه‌گیری کیفی است مورد شناسایی و مصاحبه قرار می‌گیرند البته واضح است که تعداد نمونه‌ها با توجه به دستیابی به اشباع نظری تعیین می‌شود. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند روش متوالی یا متواتر استفاده می‌نماییم. در این روش‌ها به‌جای انتخاب یک نمونه ثابت حجم نمونه آن قدر افزایش می‌یابد تا زمانی که دیگر کافی باشد (بنینگ^۳، ۲۰۰۲). در فاز سوم، مضامین مستخرج در قالب پرسشنامه‌ای طراحی شده و برای خبرگان و متخصصان ارسال می‌شود. شایان ذکر است که در انتخاب خبرگان، از افرادی در پژوهش استفاده شد که دارای تجربه چندین ساله در این حوزه هستند و همچنین، با توجه به ماهیت مقوله مدیریت دولتی - تمرکززدایی - جزء خبرگان و متخصصان این حوزه می‌باشند. تعداد این افراد با توجه به سابقه علمی و اجرایی در این حوزه مورد بررسی قرار گرفت که ۱۲ نفر از آن‌ها در انجام مصاحبه‌ها مشارکت کردند. در ادامه، مراحل انجام پژوهش به تفصیل توضیح داده می‌شود.

فاز اول: مرور سیستماتیک

مرور سیستماتیک، روشی کیفی است که پژوهش‌ها مرتبط در مورد یک موضوع را گرد هم می‌آورد. این روش به‌طور نظام‌مند شواهد پژوهش‌ها را جستجو کرده و یافته‌ها را باهم جمع‌آوری می‌کند (سیرز^۴، ۲۰۱۵؛ توی و همکاران^۵، ۲۰۱۳؛ کمپبل و همکاران^۶؛

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی است و روش پژوهش آن آمیخته یا ترکیبی است. رویکرد به کار رفته در آن، طرح نسبی متوالی با وزن نابرابر^۱ است که در سه فاز کیفی-کیفی-کمی انجام می‌شود در این پژوهش، به ترتیب از سه روش "مرور سیستماتیک-تحلیل مضمون-پیمایش" استفاده شده است. در مرحله اول که با استفاده از روش مرور سیستماتیک صورت پذیرفته است، محورهای موضوعی استخراج می‌شوند و سپس در مرحله بعد، با استفاده از ابزارهایی چون مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، مضامین مربوطه احصا می‌گردند و در مرحله سوم، این مؤلفه‌ها با استفاده از روش کمی پیمایش از منظر خبرگان مورد بررسی قرار می‌گیرند و در مورد روایی آن‌ها اعلام نظر خواهد شد. یکی از نوآوری‌های روش‌شناسانه در این حوزه، شناسایی محورهای موضوعی^۲ است. در بسیاری از پژوهش‌ها ملاحظه می‌شود که محققان بدون استخراج این موارد، با استفاده از روش‌های کیفی، پژوهش را انجام می‌دهند. با توجه به موارد مذکور، قبل از ورود به پژوهش، محقق بایستی ابتدا به امر، این محورها را استخراج کند تا در مراحل بعدی بتواند رویکردها یا روش‌های موردنظر را به کار گیرد. محورهای موضوعی به‌عنوان عوامل جهت‌دهی در مصاحبه‌ها در نظر گرفته می‌شوند و نیاز است از منابع معتبری استخراج شوند. به همین دلیل، در گام اول از روش پژوهش کیفی مرور سیستماتیک یا مرور نظام‌مند استفاده شده است تا این محورها استخراج شوند.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل متخصصان و برخی از ذی‌نفعان مؤثر در حوزه موضوعی مدیریت دولتی - تمرکززدایی -

3. Banning
4. Seers
5. Toye et al
6. Campbell et al

1. Partially Mixed Sequential Dominant Status Design
2. Thematic Axes

مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته در روش تحلیل مضمون در نظر گرفته شدند.

فاز دوم: تحلیل مضمون

تحلیل مضمون^۴ یکی از روش‌های مهم کیفی است که برای شناسایی، تجزیه و تحلیل و گزارش مضامین (تم‌ها) در داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها استفاده می‌شود (لیو، نیکیتاس و پارکینسون^۵، ۲۰۲۰). در روش تحلیل مضمون، از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر رفته و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی و بافت داده‌ها تمرکز می‌شود (غنی‌زاده، نوری، حسن‌پور و وکیلی، ۱۴۰۰). در این پژوهش از رویکرد آتراید-استرلینگ^۶ (۲۰۰۱) استفاده می‌شود که مضامین مستخرج، در سه مضمون "اساسی یا پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر"^۷ دسته‌بندی می‌شوند و در جدول ۲ نتایج حاصله به تفکیک مشخص شده‌اند. تحلیل تم فراگردی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد.

فاز سوم: پیمایش

فاز سوم پژوهش از روش کمی پیمایش^۸ استفاده شده است. پژوهش‌ها پیمایشی را به‌عنوان "جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌ای از افراد از طریق پاسخ آن‌ها به سوالات" تعریف کرده‌اند (چک و شات^۹، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها پیمایشی ممکن است از انواع روش‌های جمع‌آوری داده‌ها استفاده کنند که متداول‌ترین آن‌ها پرسشنامه و مصاحبه است. پرسشنامه‌ها ممکن است به صورت استاندارد یا محقق‌ساخته -توسط یک متخصص از قبل اجرا شده باشند- که در هر صورت؛ معمولاً شامل مجموعه‌ای از موارد است که اهداف پژوهش را منعکس می‌کند (پوتو، ۲۰۱۵). روش پیمایش ابزار مختلفی برای شناسایی شرکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها دارد که پرکاربردترین آن‌ها "پرسشنامه" است که در این پژوهش نیز از پرسشنامه استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

فاز اول: روش کیفی مرور سیستماتیک

همان‌طور که در قسمت روش پژوهش توضیح داده شد، این

(۲۰۱۱). این روش دارای مراحل ذیل است:

انتخاب پژوهش‌ها (بررسی‌ها)؛ روش‌های جستجو برای شناسایی مبانی و مفاهیم نظری؛ استخراج داده‌ها و اطلاعات؛ تجزیه و تحلیل و ترکیب آن‌ها (کورشی و همکاران^۱، ۲۰۲۱). مرورهای سیستماتیک باید شامل تمام گزارش‌های مرتبط باشند (به‌عنوان مثال، مقالات کتب، چکیده کنفرانس، ثبت آزمایشی و...)، زیرا گزارش‌های مختلف ممکن است اطلاعات متنوع و مکملی را ارائه دهند (بنتس، والن، آهادیه و کاپلری^۲، ۲۰۱۷). رویکرد مورد استفاده در این روش، رویکرد مرور دامنه‌ای است. مرور دامنه‌ای از یکی از مناسب‌ترین رویکردهای روش مرور سیستماتیک است که برای بررسی و تحلیل موضوعی پژوهش‌ها است (مارتین و همکاران^۳، ۲۰۲۱).

همان‌طور که در قبل گفته شد، در مرحله اول این پژوهش، با استفاده از روش کیفی مرور سیستماتیک، پژوهش‌ها و مقالات چاپ شده مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گرفتند. در این روش، بایستی بازه زمانی پژوهش‌ها مورد مطالعه را نیز مشخص نمود که محقق، محدوده این مطالعات را در بازه زمانی بیست‌ساله قرار داده است. این پژوهش‌ها از سال‌های ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۲۱ میلادی مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج حاصله در جدول ۱ مرقوم شده‌اند.

در ادامه، با استفاده از پایگاه‌های استنادی و دیجیتال، فرآیند جستجوی مقالات به عمل آمد. این مقالات عمدتاً از پایگاه‌های علمی Web of Science، Emerald، Proquest، sciencedirect، science و همچنین پایگاه تخصصی Google scholar بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ استخراج شدند. معیار انتخاب مقالات عبارت بودند از: ارتباط با هدف پژوهش؛ مقالاتی که شاخصه‌های مفهومی و ارتباطی مفاهیم تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی را دارند (شامل صحت، پایداری، کامل بودن و بهنگامی) و پژوهش‌های که در این حوزه مفهومی نبودند، از مطالعه خارج شدند. مرحله بعدی، استراتژی جستجوی مقالات است. ابتدا با توجه به هدف پژوهش، کلیدواژه‌های اصلی شناسایی شدند و برای مقالات، رویه‌بازایی و تطابق صورت گرفت که با بررسی متون مقالات، چند مقاله نیز از میان مقالات منتخب حذف شدند. در نهایت از میان ۱۰۲ مقاله بررسی شده، تعداد ۳۸ مقاله مرتبط شناخته شده و با بررسی‌های به عمل آمده؛ تعداد ۱۹ مقاله اصلی مورد بررسی قرار گرفتند. سپس، با مرور مطالب مرقوم شده در آن‌ها، شاخصه‌های مرتبط استخراج شدند و به‌عنوان محورهای موضوعی قرار گرفتند و برای جهت‌دهی به

4. Thematic analysis
5. Liu; Nikitas & Parkinson
6. Attridge-Stirling
7. Basic, Organizing, Global
8. Survey
9. Check & Schutt

1. Qureshi et al
2. Bennetts, Whalen, Ahadieh & Cappelleri
3. Martin et al

با پژوهش‌ها تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی استخراج شده‌اند و محدود به دو دهه اخیر هستند که محققان با استفاده از روش مرور سیستماتیک، پژوهش‌ها مرتبط در این بازه زمانی یعنی بیست سال اخیر را مورد بررسی قرار داده است (سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ میلادی).

پژوهش در فاز اول به‌مرور سیستماتیک پژوهش‌ها انجام شده در این حوزه می‌پردازد. از همین رو، از میان ۱۰۲ پژوهش مرتبط، ۱۹ پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند و شاخصه‌های مربوطه استخراج گردیدند و این موارد در جدول ۱ به تفکیک نمایش داده شده‌اند. توضیح بیشتر اینکه این شاخصه‌ها مواردی هستند که در رابطه

جدول ۱. شاخصه‌های مستخرج از پژوهش‌ها مرتبط (با استفاده از روش مرور سیستماتیک)

Table 1. Indicators Extracted from Related Research's (Using Systematic Review Method)

کد مقاله	منبع	شاخصه‌ها
۱	ساکیتا ^۱ (۲۰۲۱)	مشارکت عامه؛ حکمرانی مطلوب؛ توانمندسازی جامعه؛ خط‌مشی‌گذاری تخصصی؛ تفویض اختیار؛ واگذاری و انتقال؛ خصوصی‌سازی؛ اصلاحات اداری؛ مشارکت سطوح پایین
۲	گانگ، لیو و وو ^۲ (۲۰۲۱)	توزیع مجدد اختیارات و مسئولیت‌ها؛ حمایت و تأمین مالی سازمان‌های دولتی؛ ارائه خدمات عمومی؛ انتقال مسئولیت برنامه‌ریزی به واحدهای تابعه؛ تفویض اختیارات تصمیم‌گیری؛ بهبود کارایی دولت
۳	تانگ ^۳ (۲۰۲۱)	ارائه خدمات عمومی متنوع‌تر؛ کارایی حکمرانی؛ تحرک نیروی کار (منابع انسانی)؛ اختیارات اداری؛ توسعه پایدار؛ کارایی تأمین کالاهای عمومی
۴	کاسن ^۴ (۲۰۲۱)	مشارکت مدنی؛ پلتفرم‌های مشارکت الکترونیکی؛ شبکه‌سازی هم‌تا به هم‌تا ارائه خدمات؛ همکاری مشترک
۵	علام ^۵ (۲۰۲۱)	مشارکت دولتی-خصوصی؛ خط‌مشی‌های یادگیرنده؛ تجزیه‌وتحلیل شبکه‌ای؛ نقش بازیگران مؤثر؛ منافع حامیان سیاسی
۶	یانگ و همکاران ^۶ (۲۰۲۱)	حکمرانی متمرکز و غیرمتمرکز؛ اقتدار و نظام‌های سیاسی؛ توازن بین قدرت سیاسی دولت مرکزی و دولت‌های محلی؛ هزینه‌های بالای نهادها و سازمان‌های دولتی؛ قوانین و مقررات رسمی
۷	داس و همکاران ^۷ (۲۰۲۱)	عوامل اقتصادی، سیاسی-اجتماعی و اکولوژیکی؛ جلوگیری از مهاجرت بیش‌ازحد؛ بهبود استانداردهای خدمات‌رسانی؛ بهبود زیرساخت‌ها و خدمات شهرهای کوچک؛ تمرکززدایی قدرت در هر سطح؛ تأکید بر مشارکت مردم با قانون؛ توسعه پایدار؛ حکمرانی خوب
۸	برمیودز و کانینگ ^۸ (۲۰۲۱)	مشارکت شهروندان؛ دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اداری؛ تأثیر فناوری‌های وب در تعامل شهروندان و سازمان‌ها؛ رویکردهای مشارکتی
۹	کونته و ویسنت ^۹ (۲۰۲۱)	حکمرانی مشارکتی؛ ارتقای کیفیت خدمات عمومی؛ تأثیر مثبت بر صلاحیت مقامات؛ کاهش مصادیق فساد در سازمان‌های بزرگ؛ توانایی افزایش درآمد شهرهای کوچک؛ ایجاد اشتغال و توانایی افزایش درآمد جوامع محلی
۱۰	ژو، ژانگ، اگراوال و لیو ^{۱۰} (۲۰۲۰)	نظام حکمرانی؛ تصمیم‌گیری و تفویض اختیارات؛ اصلاحات اداری؛ نظام پاسخگویی عمومی؛ توسعه اقتصادی

1. Sakita
2. Gong, Liu & wu
3. Tang
4. Kassen
5. Allam
6. Yang et al
7. Das et al
8. Bermúdez & König
9. Konte & Vincent
10. Xu, Zhang, Agrawal & Liu

ادامه جدول ۱. شاخصه‌های مستخرج از پژوهش‌ها مرتبط (با استفاده از روش مرور سیستماتیک)

۱۱	استویان و نیدزویسکی ^۱ (۲۰۱۸)	مشارکت سیاسی؛ پاسخگویی عمودی و افقی؛ مشارکت عامه؛ تعامل و مشارکت نهادها؛ تفویض اختیار؛ تقسیم و توزیع قدرت سیاسی و اداری
۱۲	ایسوفاج ^۲ (۲۰۱۴)	تصمیم‌گیری مشارکتی؛ تفویض عمودی وظایف؛ مشارکت شهروندان در تدوین خطمشی؛ کارکردهای اقتصادی و اجتماعی؛ مشارکت مدنی
۱۳	گومان و سینگ ^۳ (۲۰۱۳)	مدیریت منابع انسانی، ظرفیت‌سازی منظم، ساختارهای انگیزشی مبتنی بر عملکرد؛ حکمرانی مشارکتی؛ ارائه خدمات عمومی مطلوب؛ ارائه عادلانه خدمات؛ جلوگیری از فساد گسترده
۱۴	سینگ (۲۰۱۳)	روابط قدرت؛ قوانین و قواعد رسمی؛ همکاری و مشارکت دولتی-خصوصی؛ اقدام جمعی در تمرکززدایی؛ ایجاد شرایط مذاکره و اجماع؛ ترتیبات نهادی متنوع؛ حکمرانی محلی
۱۵	جوشی ^۴ (۲۰۱۳)	اتخاذ رویکرد مدیریت و برنامه‌ریزی؛ کارایی ارائه خدمات عمومی؛ برنامه‌ریزی مشارکتی؛ سیاست گروه‌های ذی‌نفع؛ تصمیم‌گیری و اجماع جامعه؛ مشارکت همه‌جانبه؛ انعطاف‌پذیری و ظرفیت تصمیم‌گیری؛ واگذاری و کنترل
۱۶	لوسیا و کریستیان ^۵ (۲۰۱۰)	حاکمیت قانون؟ بهبود کیفیت و کارایی در ارائه خدمات عمومی؛ تسریع فرآیند تمرکززدایی؛ نزدیک‌تر کردن تصمیم‌گیری‌های دولتی به شهروندان؛ تفویض اختیار
۱۷	لیو و همکاران ^۶ (۲۰۰۶)	مدیریت منابع انسانی؛ استراتژی اصلاحی؛ برنامه‌ریزی و آماده‌سازی بهتر؛ نظارت قوی افزایش ظرفیت‌ها توسط سازمان‌ها و نهادهای محلی؛ مشارکت عمومی بیشتر؛ اجرا و توسعه سیاست ملی؛ انجام اقدامات استراتژیک؛ ظرفیت خطمشی‌گذاری نهادها و سازمان‌های محلی؛ زمینه‌های، فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی
۱۸	آستو و همکاران ^۸ (۲۰۰۳)	سازماندهی مجدد و بازآفرینی دولت؛ بهبود کارایی برنامه‌ها، ترتیبات نهادی نوآورانه و غیرمتمرکز؛ تفویض اختیار به شهروندان و بخش‌های غیردولتی؛ توسعه پایدار؛ حمایت ذی‌نفعان محلی و شهروندان

جدول ۲. مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده

Table 2. Global and Organizing Themes

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده
حکمرانی هوشمند	حکمرانی الکترونیک؛ سایت اداری هوشمند؛ دولت یکپارچه و الکترونیک؛ هوشمندسازی امور و فرآیندهای دولتی
خطمشی‌گذاری تعاملی و مشارکتی	مشارکت همه‌جانبه؛ شبکه خطمشی‌گذاری میان نهادها و سازمان‌ها؛ ارتقای ظرفیت خطمشی‌گذاری در سازمان‌های دولتی
تفویض اختیار و انتقال نظام‌مند	برون‌سپاری و واگذاری‌های دولتی؛ خصوصی‌سازی نظام‌مند؛ هوشمندسازی یکپارچه مدیریت پروژه؛ شراکت دولتی-خصوصی
توسعه و تحول ساختاری و زیرساختی	توسعه و بهبود زیرساخت‌های ICT در کشور؛ ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اساسی و پیشرفته؛ اتخاذ اهداف و استراتژی‌های کلان؛ ایجاد ساختارهای هوشمند و دانش‌محور در سازمان‌های دولتی؛ چابک‌سازی و منعطف‌سازی ساختار سازمان‌های دولتی؛ ایجاد ارتباطات شبکه‌ای در سازمان‌های دولتی

1. Stoyan & Niedzwiecki
2. Isufaj
3. Ghuman & Singh
4. Joshi
5. Lucia & Cristian
6. Rule of law
7. Liu et al
8. Assetto et al
9. Steel & Weber

فاز سوم: روش کمی پیمایش

در این مرحله از پژوهش، مضامین استخراج شده به صورت پرسشنامه در آمدند و با استفاده از پرسشنامه طراحی شده و روش نمونه‌گیری سیستماتیک، میان خبرگان منتخب توزیع شدند که ۳۱ نفر از آن‌ها به سؤالات پاسخ دادند. نتایج حاصله با استفاده از نرم‌افزارهای اسمارت پی. ال. اس. و اس. پی. اس. اس. مورد بررسی قرار گرفتند که مقادیر مربوطه را در شکل‌ها و جداول تدوین شده، مرقوم شده‌اند.

مقادیر میانگین نمونه، آماره T، مقادیر P، انحراف استاندارد، ضریب تعیین (معیار RSquares)، برازش مدل کلی (معیار Gof)

به منظور ایجاد انسجام در مطالب و جلوگیری از اطباب کلام، محقق؛ نتایج فاز دوم پژوهش را در قالب جدول ذیل ارائه کرده است. قبل از ورود به بررسی نتایج حاصل از معادلات ساختاری، نیاز است تا مقادیر پایه‌ای و اولیه سازه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. در جدول ذیل، این مقادیر به تفکیک هریک از سازه‌ها مرقوم شده‌اند.

جدول ۳. مقادیر میانگین نمونه، آماره T، مقادیر P، انحراف استاندارد، ضریب تعیین (معیار R Squares)، برازش مدل کلی (معیار Gof)

Table 3. Sample Average Values, T Statistic, P Values, Standard Deviation, Coefficient of Determination (R Squares Criterion), Global Criterion of Goodness of Fit (GoF criterion)

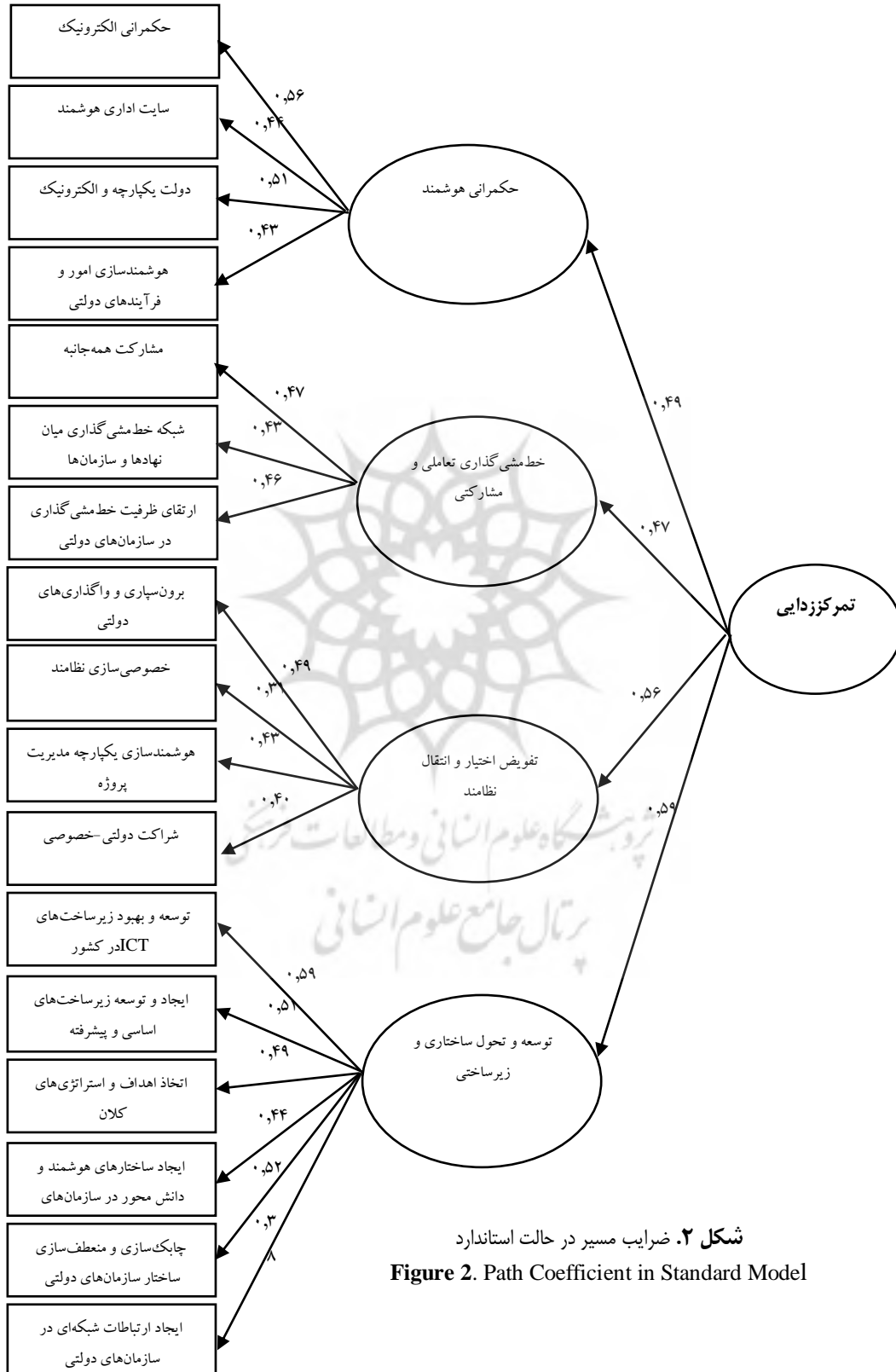
GoF	R Squares	مقادیر P	آماره T	انحراف استاندارد	میانگین نمونه	سازه
۰/۵۸	۰/۵۹	۰/۰۰۱	۱/۹۲۱	۰/۳۵۵	۴/۸۰۹	حکمرانی هوشمند
۰/۵۷	۰/۶۱	۰/۰۰۰	۱۱/۹۰۲	۰/۴۴۶	۴/۷۹۱	سایت اداری هوشمند
۰/۶۰	۰/۶۶	۰/۰۰۰	۹/۸۲۲	۰/۴۳۰	۵/۵۶۴	دولت یکپارچه و الکترونیک
۰/۴۶	۰/۵۸	۰/۰۰۰	۸/۳۲۷	۰/۴۳۱	۴/۲۳۵	حکمرانی الکترونیک
۰/۵۴	۰/۶۱	۰/۰۰۲	۷/۶۷۷	۰/۴۵۹	۵/۴۷۹	هوشمندسازی امور و فرآیندهای دولتی
۰/۶۳	۰/۶۵	۰/۰۰۰	۸/۲۳۷	۰/۳۹۰	۵/۳۳۸	خطمشی‌گذاری تعاملی و مشارکتی
۰/۵۶	۰/۵۷	۰/۰۰۰	۷/۴۲۲	۰/۳۶۱	۴/۵۷۳	مشارکت همه‌جانبه
۰/۶۲	۰/۴۸	۰/۰۰۰	۳/۷۸۷	۰/۴۳۷	۴/۴۴۲	شبکه خطمشی‌گذاری میان نهادها و سازمان‌ها
۰/۵۶	۰/۶۰	۰/۰۰۱	۵/۳۳۳	۰/۴۰۲	۵/۱۹۰	ارتقای ظرفیت ظرفیت خطمشی‌گذاری در سازمان‌های دولتی
۰/۶۸	۰/۵۷	۰/۰۰۰	۸/۳۳۲	۰/۳۳۱	۴/۳۶۸	تفویض اختیار و انتقال نظام‌مند
۰/۴۹	۰/۶۲	۰/۰۰۰	۹/۶۲۲	۰/۳۴۳	۵/۲۴۴	برون‌سپاری و واگذاری‌های دولتی
۰/۶۱	۰/۴۹	۰/۰۰۰	۸/۵۴۲	۰/۵۴۱	۵/۵۳۲	خصوصی‌سازی نظام‌مند
۰/۴۹	۰/۵۳	۰/۰۰۱	۹/۳۲۵	۰/۳۴۳	۴/۶۷۴	هوشمندسازی یکپارچه مدیریت پروژه
۰/۴۹	۰/۵۰	۰/۰۰۰	۱۱/۷۹۰	۰/۳۴۹	۴/۸۰۹	شراکت دولتی-خصوصی
۰/۴۹	۰/۶۱	۰/۰۰۰	۹/۶۸۰	۰/۴۶۰	۵/۳۲۷	توسعه و تحول ساختاری و زیرساختی
۰/۴۹	۰/۶۰	۰/۰۰۰	۱۰/۸۷۰	۰/۵۰۹	۴/۱۳۵	توسعه و بهبود زیرساخت‌های ICT در کشور
۰/۴۹	۰/۵۰	۰/۰۰۲	۷/۱۱۴	۰/۳۹۸	۴/۶۷۰	ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اساسی و پیشرفته
۰/۴۹	۰/۶۱	۰/۰۰۰	۸/۲۹۰	۰/۳۷۱	۵/۸۰۶	انتخاب اهداف و استراتژی‌های کلان
۰/۴۹	۰/۵۳	۰/۰۰۰	۹/۶۴۵	۰/۳۸۰	۵/۳۲۱	ایجاد ساختارهای هوشمند و دانش‌محور در سازمان‌های دولتی
۰/۴۹	۰/۶۳	۰/۰۰۱	۱۱/۵۶۰	۰/۴۴۳	۵/۷۰۹	چابک‌سازی و منعطف‌سازی ساختار سازمان‌های دولتی
۰/۶۱	۰/۵۸	۰/۰۰۱	۶/۴۵۴	۰/۴۶۶	۴/۴۴۸	ایجاد ارتباطات شبکه‌ای در سازمان‌های دولتی

است، مقادیر R2 برای کلیه متغیرهایی بیشتر از حد قوی است و مقدار R برابر است با ۰/۷۳۲ که مقدار بالایی است که نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی بالای مدل است. همچنین مقدار معیار SRMR این مدل برابر با ۰/۰۴ است که مقدار مطلوبی می‌باشد. معیار Gof مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش

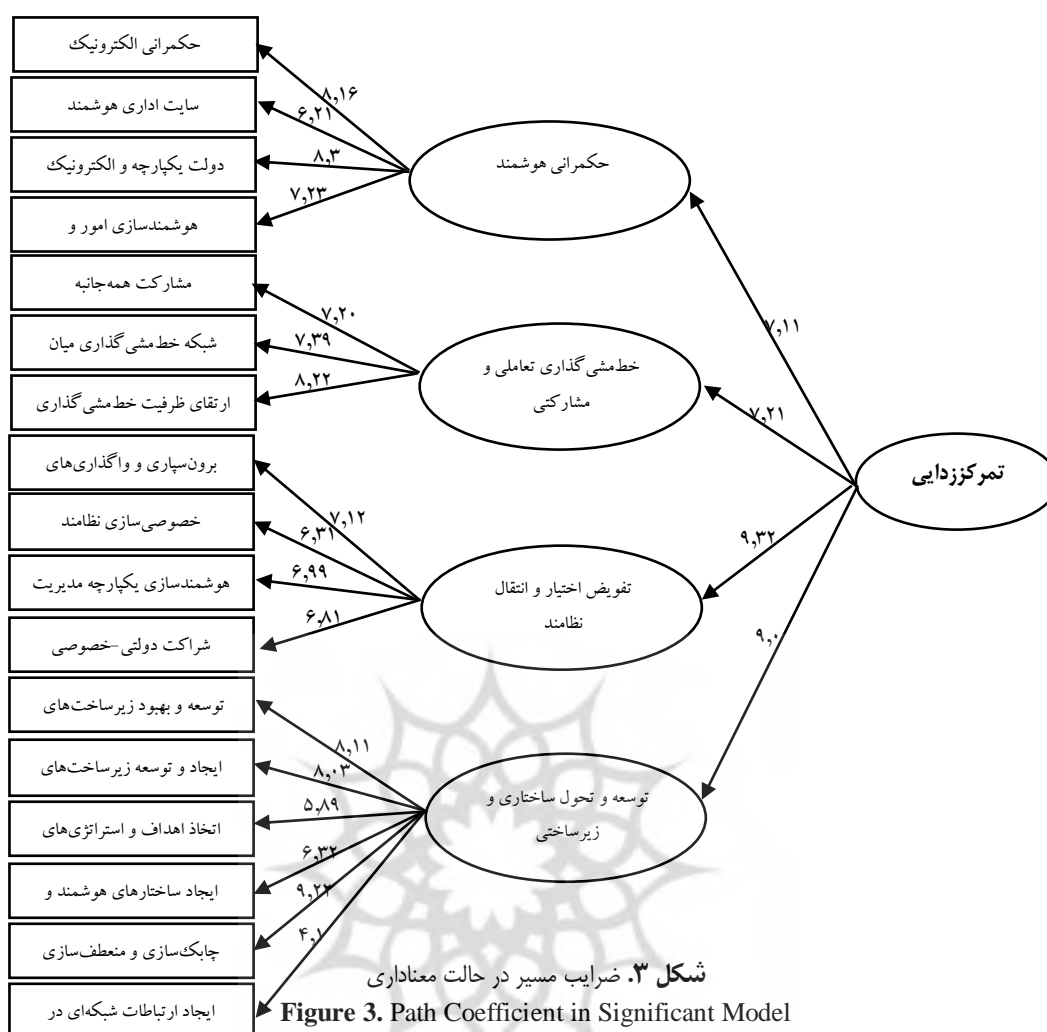
با توجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که انحراف استاندارد و میانگین نمونه از وضعیت خوبی برخوردار هستند و هر ۱۷ سازه، یعنی مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده ارتباط معناداری دارند. برای سنجش برازش بخش ساختاری مدل‌ها با استفاده از معیار R2 ابتدا باید مقدار R2 تمامی سازه‌ها محاسبه شده و سپس در مورد سازه‌هایی که مقدار R2 آن‌ها در حد ضعیف و کمتر است، توجه بیشتری شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵). همان‌طور که در جدول ۳ مشخص

نشان می‌دهد. بر روی مدل اعدادی قید شده‌اند که به‌عنوان ضرایب استاندارد مسیرها هستند و اعداد داخل پرانتز مقادیر t را نشان می‌دهند.

کلی را نیز کنترل نماید. مقدار Gof به دست آمده در مدل ۰/۵۵۸ که این نشان از برازش کلی قوی مدل است. دیاگرام زیر، مدل تحلیل مسیر پژوهش را



شکل ۲. ضرایب مسیر در حالت استاندارد
Figure 2. Path Coefficient in Standard Model



مضامین سازمان‌دهنده "حکمرانی الکترونیک؛ سایت اداری هوشمند؛ دولت یکپارچه و الکترونیک؛ هوشمندسازی امور و فرآیندهای دولتی" تشکیل شده است. امروزه، کشورها در پارادایم جدید "دیجیتالی‌سازی دولت" هستند و نمود اصلی آن در مقوله حکمرانی الکترونیک جریان دارد. حکمرانی الکترونیک همان کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ارائه خدمات دولتی است. این مضامین همسو با نتایج پژوهش‌ها داس (۲۰۲۰)؛ داس و همکاران (۲۰۲۱)، فاگت (۲۰۱۴)، ایسوفاج (۲۰۱۴) هستند. اما از لحاظ نوآوری، در مفهوم دیجیتالی‌سازی دولت با پژوهش‌ها فوق متمایز است. در این فرآیند، تبادل اطلاعات و ارتباطات، ادغام سیستم‌های مختلف مستقل و خدمات بین دولت به مشتری/شهروند (G2C)^۲، دولت به کسب‌وکار (G2B)، دولت به دولت (G2G) و همچنین

همان‌طور که در دیاگرام‌های فوق مشاهده می‌شود، تمامی مضامین مقادیری بالاتر از حد قابل قبول را کسب کرده‌اند و تناسب مضامین (شاخص‌های) مدل حاکی از مناسب بودن مدل اندازه‌گیری است که از میان مضامین فراگیر، مضمون "توسعه و تحول ساختاری و زیرساختی" و از میان مضامین سازمان‌دهنده، مضمون "توسعه و بهبود زیرساخت‌های ICT در کشور؛ حکمرانی الکترونیک؛ چابک‌سازی و منعطف‌سازی ساختار سازمان‌های دولتی" به ترتیب با مقادیر (۰/۵۹)، (۰/۵۶) و (۰/۵۲) بیشترین تأثیر را دارند. در ادامه به بحث و بررسی یافته‌های فوق پرداخته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مطابق با یافته‌های پژوهش، هریک از مضامین فراگیر متشکل از چند مضمون سازمان‌دهنده هستند و مطابق با فلسفه روش کیفی، حرکت از جزء به کل (رویکرد استقرایی) در این روش اعمال شده است. مضمون فراگیر "حکمرانی هوشمند" از

1. Digitalisation of Government
2. Government to Citizen (G2C)

همان‌طور که در قبل نیز گفته شد، هدف اصلی مقاله حاضر شناسایی و تبیین مؤلفه‌های اصلی و مؤثر در تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی است که با محوریت سازمان‌های دولتی صورت می‌پذیرد که وظیفه تصدی‌گری را بر عهده دارند. تمرکززدایی یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که دولت‌ها در قبال جلوگیری و یا کاستن از متورم شدن امور و فرآیندهای اداری انجام می‌دهند. به همین منظور، مطابق با زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... هر کشور؛ این امر صورت می‌پذیرد. در کشور ما نیز بنابر برنامه جامع اصلاح نظام اداری به این مقوله تأکید شده است و جزء محورهای اصلی اصلاح نظام اداری قرار گرفته است. اما با توجه به شواهد و روند موجود در این زمینه، خلل و ناکامی‌هایی داشته است. از همین رو در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی، مؤلفه‌های اصلی و مؤثر در تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی شناسایی و تبیین شدند تا بتوانند در این زمینه مؤثر باشند. برای انتقال و تفویض اختیار به سایر شهرها، نیاز به ایجاد زیرساخت و فراهم نمودن امکاناتی است. برخی از شهرها و شهرستان‌ها دارای پتانسیل رشد بسیاری هستند؛ و از همین رو، این کاربر عهده دولت است که تشخیص دهد کدام مکان‌ها دارای پتانسیل توسعه بهتری هستند. برای رفع این مشکلات، بایستی اقداماتی صورت پذیرد که مطابق با یافته‌های پژوهش، این موارد از دیدگاه خبرگان مورد شناسایی قرار گرفتند. مطابق با یافته‌های حاصله، از میان مضامین فراگیر، "توسعه و تحول ساختاری و زیرساختی" و از میان مضامین سازمان‌دهنده، مضمون "توسعه و بهبود زیرساخت‌های ICT در کشور؛ حکمرانی الکترونیک؛ چابک‌سازی و منعطف‌سازی ساختار سازمان‌های دولتی" به ترتیب دارای اولویت‌های بالاتری نسبت به سایر موارد هستند. به‌منظور توسعه و تحول ساختاری و زیرساختی در این حوزه، نیاز است سیاست‌های کلان و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی به‌ویژه در مناطق هدف، یعنی مناطقی که امور اداری از کلان‌شهر تهران به آن‌ها منتقل می‌شود، اتخاذ گردد و یکی از مبتدی‌ترین و اصلی‌ترین اقدامات - یعنی ایجاد تسهیلات و امکانات - فراهم شود. به همین منظور، کاملاً مبرهن است که سازمان‌های دولتی که وظیفه تصدی‌گری را بر عهده دارند؛ در آن‌ها چابک‌سازی و منعطف‌سازی ساختار صورت پذیرد و از طرفی نیز؛ با توسعه و بهبود زیرساخت‌های ICT در کشور و پیاده‌سازی حکمرانی الکترونیک؛ این مهم به‌خوبی صورت پذیرد.

فرآیندهای اداری، و تعامل در کل چارچوب دولت صورت می‌گیرد. از طریق حکمرانی الکترونیک، خدمات دولتی به شیوه‌های مناسب، کارآمد و شفاف در اختیار شهروندان قرار خواهند گرفت. همچنین، ملاحظه می‌شود بسیاری از کشورها با پیاده‌سازی دولت یکپارچه و الکترونیک، امور و فرآیندهای دولتی را هوشمندسازی کرده و این موارد، ارتباط‌دهنده اقشار و سطوح مختلف با سازمان‌های دولتی هستند. این موارد می‌تواند با ایجاد بخش یا سایت‌های اداری هوشمند ایجاد شوند که مثال بارز آن، شهر پوتراجایا^۱ در کشور مالزی است. مضمون فراگیر "خطمشی‌گذاری تعاملی و مشارکتی" متشکل از مضامین سازمان‌دهنده "مشارکت همه‌جانبه؛ شبکه خطمشی‌گذاری میان نهادها و سازمان‌ها؛ ارتقای ظرفیت خطمشی‌گذاری در سازمان‌های دولتی" است. اصولاً تصمیم‌گیری‌های مهمی چون تمرکززدایی در قبال نهاد یا سازمان‌های دولتی بدون تعامل و مشارکت امکان‌پذیر نیست. از همین رو، باید مشارکت همه‌جانبه‌ای صورت پذیرفته تا دستگاه‌های متولی در این زمینه بتوانند بدون موانع و چالش، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند. این مضامین همسو با نتایج پژوهش‌ها ساکیتا (۲۰۲۱) سایمز (۲۰۰۷)، اوتس (۲۰۰۶) هستند. مضمون فراگیر بعدی "تفویض اختیار و انتقال نظام‌مند" است. همان‌گونه که در قبل نیز گفته شد، انتقال و تفویض اختیار برخی امور دولتی به سایر شهرها و شهرستان‌ها، همواره با مسائل و چالش‌هایی همراه است. به همین منظور، می‌توان با اتخاذ راهکارها و مکانیزم‌های اساسی در این حوزه، به صورت جامع و نظام‌مند این اقدام را صورت داد. فصل ختام تمرکززدایی، انتقال و تفویض اختیار امور دولتی است که در قالب یکی از موارد فوق‌الذکر، به سایر نهادها و سازمان‌های شهرها و شهرستان‌های ثالث سپرده می‌شود. این مضامین، همسو با نتایج پژوهش‌ها کاوه و چارستاد (۲۰۱۲) استویان و نیدزویسکی (۲۰۱۸)، تانگ (۲۰۲۱) هستند. مطابق با یافته‌های حاصل از تحلیل‌های به عمل آمده در فاز سوم پژوهش، مضمون فراگیر چهارم "توسعه و تحول ساختاری و زیرساختی" به‌عنوان مهم‌ترین مضمون یا عامل انتخاب شد. پرواضح است که بدون ایجاد زیرساخت‌ها و تغییر در ساختارهای سازمان‌های دولتی - که اغلب بلند و غیرمنعطف - هستند، تمرکززدایی صورت نپذیرد. در ادامه به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها کاربردی پرداخته می‌شود.

پیشنهادها

اگرچه موارد فوق‌الذکر نمی‌توانند به‌عنوان عوامل مسلم و نهایی در این زمینه باشند اما به‌منظور ایجاد یک بستر و رویه مهم می‌توانند مثمر ثمر باشند. در ادامه، پیشنهادهای کاربردی و پژوهش‌های مرتبط با این حوزه ارائه خواهند شد.

پیشنهاد می‌شود به‌منظور تمرکززدایی امور اداری از سازمان‌های دولتی شهر تهران به سایر شهرها و شهرستان‌های دارای پتانسیل، با اقدامات کارشناسانه و دقیق فرآیند شناسایی نیازها و خلأهای این حوزه صورت پذیرد و با تشکیل کارگروه تخصصی مربوطه، اقدامات اجرایی انجام شوند. از همین رو، خطامشی‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان مربوطه بایستی نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای را در نظر بگیرند و اطمینان حاصل کنند که امکانات، نیروی کار، سرمایه و ... به مکان‌هایی که بیشترین پتانسیل و بهره‌وری را دارند منتقل می‌شود. به همین منظور، استفاده از نظر متخصصان حوزه‌های مختلف امری ضروری و غیرقابل چشم‌پوشی است که این مقوله، هم‌راستا با مضمون فراگیر "خطامشی‌گذاری تعاملی و مشارکتی" می‌باشد.

در راستای حکمرانی هوشمند که به‌عنوان یکی از مضامین فراگیر تعیین شد، پیشنهاد می‌شود خدمات الکترونیک و مبحث دولت الکترونیک را در سطح وسیعی پیاده‌سازی نمایند. ملاحظه می‌شود که در سال‌های اخیر، این موارد بیشتر معطوف به سازمان‌ها بوده‌اند و اقشار مختلف، به دلیل وجود شکاف دیجیتال؛ از بهره‌مندی آن بی‌نصیب مانده‌اند. از همین رو، دولت و سازمان‌های دولتی متولی در این حوزه، می‌توانند با توسعه خدمات الکترونیک دولت به شهروند بسترهای لازم را فراهم آورند و از طرفی نیز با در نظرگیری آموزش‌های مربوطه، ضمن کم کردن شکاف دیجیتال، بتوانند پاسخگوی نیازهای

اجتماعی آنان نیز باشند. لازم به ذکر است که در این زمینه می‌توان از تجربیات سایر کشورهای موفق نیز بهره برد. در رابطه با مضمون فراگیر "تفویض اختیار و انتقال نظام‌مند" نیاز است در سازمان‌های دولتی که وظایف مرتبط با تصدی‌گری امور دولتی را انجام می‌دهند، یک کارگروه تحول ساختاری تشکیل شده و با رویکرد اصلاح نظام اداری به این مقوله بپردازند. همچنین، این کار به‌صورت نظام‌مند و دقیق باشد و اطلاعات، قدرت، دانش و مهارت‌های لازم نیز به شهرها و شهرستان‌های مقصد تفویض شوند.

در رابطه با مضمون فراگیر "توسعه و تحول ساختاری و زیرساختی"، علاوه بر موارد فوق‌الذکر، نیاز است تا دولت هرساله ردیف بودجه مستقلی را برای این حوزه اختصاص دهد تا تسهیلات و امکانات لازم برای اجرا و پیاده‌سازی این امر مهیا گردد.

در نهایت، بنابه وسعت و عمق بسیار زیاد مفهوم تمرکززدایی پیشنهاد می‌شود به‌منظور اجرایی شدن این مقوله مهم و همچنین ارتقای قابلیت‌های مرتبط با آن، در زمینه موضوعاتی مانند مدیریت پرسنل، تأمین مالی، رشد هوشمند شهری در شهرهای دارای پتانسیل نیز پژوهش‌های صورت پذیرند تا این خلأ نظری و کاربردی، تا حد قابل‌قبولی مرتفع شود.

سپاسگزاری

از کلیه کسانی که در تدوین مقاله بنده را یاری کردند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

References

- Assetto, V. J., Hajba, E., & Mumme, S. P. (2003). Democratization, decentralization, and local environmental policy capacity: Hungary and Mexico. *The Social Science Journal*, 40(2), 249-268.
- Asthana, N. A. (2008). Decentralization and corruption., Evidence from drinking water sector. *Public Administration and Development*. 28(3), 181-189.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405.
- Bennetts, M., Whalen, E., Ahadieh, S., & Cappelleri, J. C. (2017). An appraisal of meta-analysis guidelines: How do they relate to safety outcomes?. *Res Synth Methods*, 8(1), 64-78.
- Bermúdez, J., & König, R. (2021). The role of technologies and citizen organizations in decentralized forms of participation. A case study about residential streets in Vienna. *Technology in Society*. 66(10), 1-13.
- Bo, S. (2020). Centralization and regional development: evidence from a political hierarchy reform to create cities in China. *J. Urban Econ.*, 115(3), 1-12.
- Bruce, J. (2013). *Land Tenure, Property Rights, and Local Land Governance*. Release Date: June

- 24, 2013. <https://www.land-links.org/issue-brief/local-land-governance-institutions/>.
- Campbell, R., Pound, P., & Morgan, M. (2013). Evaluating meta-ethnography: systematic analysis and synthesis of qualitative research. *Health Technol Assess.* 15(43), 1–164.
- Check J., Schutt, R. K. (2012). editors. *Research methods in education*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Cheema, G. S., & Rondinelli, D. A. (2007). *From government decentralization to decentralized governance*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- Das, A. (2020). Bridging the urban divide: A critical review of bottom-up communicative planning measures in Bangladesh. *International Journal of Town Planning and Management*, 6(1), 9-18.
- Das, A., Roy, S., Parvez, M., & Hasan, M. (2021). Decentralized activity centers in rural Bangladesh: A step towards effective emergency situation management in the post-pandemic cities. *Journal of Urban Management*. 10(3), 242-254.
- Davari, A & Rezazadeh, A. (2016). *Structural equation modeling with PLS software*. Tehran: University Jihad Publications. (In Persian).
- Edwards, G. (2017). *Introduction to Public Administration*. 2nd Edition. Library Press.
- Etaat, J. & Mussavi, S. Z. (2010). Decentralization and Sustainable Development in Iran. *Human Geography Research*. 42(71), 89-106. (In Persian).
- Faguet, J-p. (2014). Decentralization and Governance. *World Development*. 53(3), 2-13.
- Feyzi, T & Zare, R. (2015). Examining the Relationship between Administrative Decentralization and Public Governance Underlining the Impact of Two Public Trust and Public Accountability Variables (Case Study: Governmental Organizations of Fars Province). *Public Organizations Management*. 3(11), 9-25. (In Persian).
- Finkbeiner, E.M., Basurto, X. (2015). Re-defining co-management to facilitate small-scale fisheries reform: an illustration from northwest Mexico, *Mar. Policy*. 51(20), 433-441.
- Ghanizadeh, A., Noori, R., Hassanpoor, A., & Vakili, Y. (2022). Pathology of Performance Management System of Iranian Public Sector Organizations. *Public Organizations Management*, 10(1), 47-66. (In Persian).
- Gray, T. (2005). *Participatory fisheries governance – three central themes*, in: T. Gray (Ed.), *Participation in Fisheries Governance*.
- Gong, Q., Liu, Ch., Wu, M. (2021). Does administrative decentralization enhance economic growth? Evidence from a quasi-natural experiment in China. *Economic Modelling*. 94(4), 945-952.
- Ghuman, B. S., & Singh, R. (2013). Decentralization and delivery of public services in Asia. *Policy and Society*. 32(1), 7-21.
- International Labour Organization (2001). *The Impact of Decentralization and Privatization on Municipal Services*. Report for discussion at the Joint Meeting on the Impact of Decentralization and Privatization on Municipal Services. Sectoral Activities Programme. Geneva, 15-19 October 2001.
- Isufaj, M. (2014). Decentralization and the Increased Autonomy in Local Governments. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 109(8), 459-463.
- Ivanyna, M., & Salerno, A. (2021). *Governance for Inclusive Growth*. Washington, International Monetary Fund Publication.
- Joshi, D. U. (2013). Decentralisation of public service delivery in the Central Himalayas: The myth of community participation. *Policy and Society*. 32(1), 23-32.
- Kamali, Y. (2014). Study the role of administrative decentralization on administrative integrity. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*. 2(2), 111-132. (In Persian).
- Kassen, M. (2021). Understanding decentralized civic engagement: Focus on peer-to-peer and blockchain-driven perspectives on e-participation. *Technology in Society*. 66(5), 1-15.
- Kaveh, A & Charsetad, P. (2012). Decentralization and change in the administrative system of the Islamic Republic of Iran. *The Second National Conference on the Challenges and Necessities of Transformation in the Administrative System of Iran*. November 2012.
- Kock, N. (1998). Government Transformation And Structural Rigidity: Redesigning A Service

- Acquisition Process. *Acquisition Review Quarterly*. 1(11), 1-18.
- Konte, M., & Vincent, R. C. (2021). Mining and quality of public services: The role of local governance and decentralization. *World Development*. 140(20), 1-19.
- Liu, X., Martineau, T., Chen, L., Zhan, Sh., & Tang, Sh. (2006). Does decentralisation improve human resource management in the health sector? A case study from China. *Social Science & Medicine*. 63(7), 1836-1845.
- Liu, N., Nikitas, A & Parkinson, S. (2020). Exploring expert perceptions about the cyber security and privacy of Connected and Autonomous Vehicles: A thematic analysis approach. *Transportation Research. Part F*. 75(21) 66–86.
- Lucia, C. E., & Cristian, C. M. (2010). The role of local public authorities in decentralizing Romanian public education system. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2(2), 3432-3436.
- Maguire, M., & Delahunt, B. (2017). Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step: Guide for Learning and Teaching Scholars. *AISHE-J*. 9(3), 3351- 33514.
- Martin, N., Sheppard, M., ParthGorasia, G., Arora, P., Cooper, M., Mulligan, S. (2021). Awareness and barriers to sustainability in dentistry: A scoping review. *Journal of Dentistry*. 112(21), 1-53.
- Mitchell, A., & Bossert, J. T. (2010). Decentralization, governance and health-system performance: 'Where You Stand Depends on Where You Sit'. *Development Policy Review*. 28(6), 669-691.
- Oates, E. W. (2006). *On the theory and practice of fiscal decentralization*. Working Paper No.2006-05. Lexington, Kentucky: Martin School, Institute for Federalism & Intergovernmental Relations.
- Osborne, D., & Plastrik, P. (1997). *Banishing Bureaucracy*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Ponto, Julie., Ann, Ellington., Lee, Mellon., Suzanne, Beck., & Susan L. (2015). Predictors of adjustment and growth in women with recurrent ovarian cancer. *Oncology nursing forum*. 37(3), 357–364.
- Qureshi, R., Mayo-Wilson, E., Rittiphairoj, Th., McAdams-DeMarco, M., Guallar, E. & Li, T. (2021). Summaries of harms in systematic reviews are unreliable Paper 2: Methods used to assess harms are neglected in systematic reviews of gabapentin. *Journal of Clinical Epidemiology*. 143(3), 212-223.
- Rechel, B., Duran, A., & Richard Saltman, R. (2018). *What is the experience of decentralized hospital governance in Europe?*. Geneva, World Health Organization.
- Resnick, D. (2017). Democracy, decentralization, and district proliferation: The case of Ghana. *Political Geography*. 59(17), 47-60.
- Sakita, S. (2021). Centralization under decentralization: The development of fishery clubs in Lesvos under the administrative reforms of Greece. *Marine Policy*. 132(21), 1-20.
- Satria, A., & Matsuda, Y. (2004). Decentralization of fisheries management in Indonesia, Mar. *Policy*. 28(5), 437-450.
- Seers, Kate. (2015). Qualitative systematic reviews: their importance for our understanding of research relevant to pain. *Br J Pain*. 9(1), 36-40.
- Şen, D., & Bandyopadhyay, A. (2010). Educational decentralization as part of public administration reform in Turkey. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2(2), 269-276.
- Shah, A., & Theresa, T. (2004). *Implementing decentralized local governance: Treacherous road with potholes, detours and road closures*. Policy Research Working Paper 3353. Washington, DC: World Bank.
- Singh, S. (2013). Diverse property rights, institutions and decentralisation: Forest management by village forest councils in Uttarakhand. *Policy and Society*. 32(1), 43-59.
- Steel, B., & Weber, E. (2001). Ecosystem management, decentralization, and public opinion. *Global Environmental Change*. 11(2), 119-131.
- Symes, D. (2007). Fisheries management and institutional reform: a European perspective, *ICES J. Mar. Sci*. 64(4), 779–785.
- United Nations (2000). *Decentralization: Conditions for Success. Lessons from Central and Eastern Europe and the Commonwealth of Independent States*. Department of Economic and Social Affairs. Division for Public Economics and Public Administration.

- Tang, W. (2021). Decentralization and development of small cities: Evidence from county-to-city upgrading in China. *China Economic Quarterly International*. 1(3), 191-207.
- Toye, F., Seers, K., & Allcock, N., (2013). A meta-ethnography of patients' experience of chronic nonmalignant musculoskeletal pain. *Health Serv Deliv Res*. 21(12), 259-260.
- Weiss, Th. (2000). Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third World Quarterly*, 21(5), 795-814.
- World Bank. (2006). *A decade of measuring the quality of governance*. The World Bank, Washington, DC.
- World Bank. (2016). *Administrative Governance & Decentralization*. The National Agenda for the Future of Syria – NAFS. <https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/admin-governance-decentralization-en.pdf>.
- World Bank. (2017). *Governance and the law*. World development report. Washington, D.C, W. Bank Publication.
- World Bank. (2022). *Decentralization & Subnational Regional Economics*. Administrative Decentralization.
- Xu, T., Zhang, X., Agrawal, A., & Liu, J. (2020). Decentralizing while centralizing: An explanation of China's collective forestry reform since the 1980s. *Forest Policy and Economics*. 119(15), 1-15.
- Yang, X., Yan, J., Tian, K., Yu, Z., Yu Li, R., & Xia, S. (2021). Centralization or decentralization? the impact of different distributions of authority on China's environmental regulation. *Technological Forecasting and Social Change*. 173(21), 1-10.

